



مطالعه تطبیقی متن و تصاویر ابوبکر و امام علی (ع) در نسخ جامع التواریخ ایلخانی و تیموری

محمد رضا غیاثیان*

چکیده

۱ امروزه، چهار نسخه "جامع التواریخ" تولیدشده تحت نظارت خود رشیدالدین فضل الله در آغاز سده هشتم/چهاردهم باقی مانده‌اند؛ سه نسخه به زبان فارسی و یک نسخه به زبان عربی. حدود یک قرن پس از کتابت، هر چهار نسخه در تملک شاهرخ پادشاه تیموری بوده‌اند. از آنجایی که این کتب ناقص بوده‌اند، شاهرخ به مورخ دربار خویش حافظ ابرو می‌فرماید که نسخه‌های فارسی را تکمیل کند. در روند تکمیل یکی از نسخ، تغییراتی قابل تأمل هم در متن و هم در تصاویر آنها صورت می‌گیرند. از آنجا که تیموریان حنفی مذهب به سختگیری‌های مذهبی شهره بودند، مطالعه دست‌کاری‌های آنان در بخش تاریخ صدر اسلام "جامع التواریخ" اهمیت فراوانی دارد. این مقاله که حاصل بررسی اصل نسخه‌ها در کتابخانه کاخ توپکاپی است، با بهره‌گیری از مطالعه کتابخانه‌ای و نسخه‌شناختی، و به روش‌های تطبیقی و تاریخی انجام شده است. یکی از اهداف این نوشتار در حوزه متن‌شناسی، تبیین ضرورت توجه به تاریخچه نسخ خطی و مهاجرت‌های آنها در روند تصحیح متون است. در حوزه تصویر نیز به مطالعه تطبیقی تصاویر افزوده‌شده به این نسخه‌ها در دوره‌های ایلخانی و تیموری پرداخته می‌شود. مهم‌ترین سؤالات مطرح در این راستا از این قرار هستند؛ حافظ ابرو تا چه میزان و در چه بخش‌هایی از متن "جامع التواریخ" دست‌کاری کرده است؟ در فرآیند بررسی تصاویر خلفای راشدین، کدام خلیفه اهمیت بیشتری برای تیموریان داشته است و چرا؟ یکی از یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که جدیدترین چاپ "جامع التواریخ"، در حقیقت "مجمع التواریخ" اثر حافظ ابرو بوده که به اشتباه نوشته رشیدالدین دانسته شده است. همچنین می‌توان گفت که در نسخه‌های جامع التواریخ که توسط حافظ ابرو تکمیل شده‌اند، تأکید بیشتری بر روی ابوبکر وجود دارد که این تأکید هم در دست‌کاری‌های حافظ ابرو در متن مشهود است و هم در تصاویری که از خلفای اربعه ترسیم شده است.

کلیدواژه‌ها: جامع التواریخ، رشیدالدین فضل الله، حافظ ابرو، ابوبکر ابن ابی قحافه، شاهرخ

مقدمه

اگرچه تاریخ‌نگاری در ایران پیشینه‌ای کهن داشته، اما در دوره ایلخانی شکوفاتر شده و نه به عربی، بلکه به فارسی نگاشته شد و محدوده‌ای وسیع‌تر یعنی تاریخ جهان را در بر گرفت. رشیدالدین (متوفی: ۷۱۸ ق./ ۱۳۱۸ م.) که وزیر غازان خان (حک. ۷۰۳-۶۹۴ ق./ ۱۳۰۴-۱۲۹۵ م.) و اولجایتو (حک. ۷۱۶-۷۰۳ ق./ ۱۳۱۶-۱۳۰۴ م.) بود، با تألیف کتب تاریخی و مذهبی، گامی در جهت مشروعیت‌بخشی به حکومت ایلخانان برداشت. او مهم‌ترین اثر خود؛ "جامع‌التواریخ" را در دهه اول سده هشتم/چهاردهم به سفارش غازان خان و اولجایتو در سه مجلد تألیف نمود. جلد اول که "تاریخ مبارک غازانی" نام دارد، به تاریخ مغولان و ترکان می‌پردازد. جلد دوم، شامل دو بخش بوده که بخش اول آن در باب تاریخ اولجایتو از بین رفته است و بخش دوم جلد دوم، به تاریخ پیغمبران و پادشاهان پیش از اسلام، تاریخ اسلام تا سال ۶۵۶ ق./ ۱۲۵۸ م، سلسله‌های پادشاهی هم‌عصر آن در ایران و اقوام و ملل غیرمغول اختصاص دارد. جلد سوم، اثری جغرافیایی بوده که به‌جای نمانده یا تا کنون به دست ما نرسیده است.^۱ مرادرات رشیدالدین با پنج ایلخان (از اباق‌خان تا اولجایتو) و جایگاه رفیع او نزد آنها خواه به‌عنوان وزیر و خواه به‌عنوان طبیب و ندیم، اهمیت "جامع‌التواریخ" به‌ویژه "تاریخ مبارک غازانی" را دوچندان می‌کند. اما شاید بتوان اهمیت بخش تاریخ سایر ملل آن را بیشتر دانست؛ چرا که سبب شده تا محققان این کتاب را "نخستین تاریخ عالم" نام نهند و نیز آن را "اولین کوشش در جهت ثبت تاریخ تمام ملل بزرگ اوراسیا" بدانند.^۲

امروزه، چهار نسخه از "جامع‌التواریخ" که در ربع رشیدی و تحت نظارت مؤلف آن کار شده، باقی مانده‌اند. یکی از آنها، نسخه‌ای به زبان عربی است که در دو بخش در کتابخانه دانشگاه ادینبرو در اسکاتلند (شماره: Or.MS 20) و مجموعه ناصر خلیلی در لندن (شماره: mss727) محفوظ است.^۳ دو نسخه نیز به زبان فارسی در کتابخانه کاخ توپکاپی به شماره‌های "خزینه ۱۶۵۳"^۴ و "خزینه ۱۶۵۴"^۵ نگهداری می‌شوند. نسخه عربی و "خزینه ۱۶۵۳" در سال ۷۱۴ ق./ ۱۳۱۴ م. کتابت شده و "خزینه ۱۶۵۴" در سال ۷۱۷ ق./ ۱۳۱۷ م. به انجام رسیده است. نسخه چهارم نیز نسخه‌ای نویافته و فاقد تاریخ است.^۶ هیچ‌کدام از این نسخ کامل نیستند؛ بدین معنی که نه‌تنها تمام اوراق آنها به دست ما نرسیده است، بلکه در زمان استنساخ نیز کامل نشده بودند. هر چهار کتاب، مصور بوده و محتوای آنها شامل قسمت‌هایی از بخش دوم جلد

دوم (یعنی از خلقت آدم تا انقراض عباسیان، سلسله‌های پادشاهی هم‌عصر آن و سایر ملل) است. آنها ویژگی‌های کتاب‌شناختی مشابهی دارند، از قبیل؛ جنس کاغذ، اندازه فضای نوشتار (حدود ۲۷×۳۷ سانتی‌متر)، تعداد سطور در هر صفحه (حدود ۳۵ سطر)، سبک‌شناسی نقاشی‌ها و صحنه‌های انتخاب‌شده برای تصویرسازی.

مطالعات نسخه‌شناختی، شواهد و ادله کافی در اختیار ما گذاشته‌اند که ادعا کنیم هر چهار نسخه مذکور، زمانی در کتابخانه سلطنتی شاهرخ (حک. ۸۵۰-۸۰۷ ق./ ۱۴۴۷-۱۴۰۵ م.) بوده‌اند. این شواهد، از طریق مطالعه انجامه‌ها، ترقیمه‌ها، سبک‌شناسی نقاشی‌ها و تذهیب‌ها، کتیبه‌ها و مهرهای کتابخانه شاهرخ حاصل شده‌اند. یکی از این نسخه‌ها (خزینه ۱۶۵۳) که بخش‌هایی از آن از بین رفته بوده، به دستور شاهرخ توسط حافظ ابرو (متوفی: ۸۳۳ ق./ ۱۴۳۰ م.) مورخ نامدار، تکمیل می‌شود. حافظ ابرو در تکمیل کتاب رشیدالدین، تغییراتی در متن آن می‌دهد که تمرکز اصلی این نوشتار، بر بخش مربوط به تاریخ خلفای راشدین آن است. این بخش از متن در نسخه خزینه ۱۶۵۳ (که به دست خود حافظ ابرو کتابت شده)، با نسخه‌های خزینه ۱۶۵۴ و نسخه عربی (که در ربع رشیدی کتابت شده‌اند) تطبیق داده می‌شود. علاوه بر این، تاریخ خلفای راشدین در این نسخه‌ها هم در ربع رشیدی و هم در کتابخانه شاهرخ، مصور شده‌اند. تطبیق این تصاویر ایلخانی و تیموری، دربردارنده اطلاعات مهمی در خصوص نگرش مذهبی شاهرخ است. از مهم‌ترین سؤالات این تحقیق، به این موارد می‌توان اشاره کرد؛ حافظ ابرو تا چه میزان و در چه بخش‌هایی از متن رشیدالدین دست‌کاری کرده است؟ در فرآیند تطبیق تصاویر خلفای راشدین که در دوره‌های ایلخانی و تیموری در این نسخه‌ها اجرا شده‌اند، کدام خلیفه اهمیت بیشتری برای شاهرخ داشته است و چرا؟

در این نوشتار، ابتدا تاریخچه مختصری از نسخه‌های "خزینه ۱۶۵۳" و "خزینه ۱۶۵۴" ذکر شده و سپس، به مطالعه شخصیت شاهرخ به‌عنوان حامی تکمیل و نوسازی آنها پرداخته می‌شود. در نهایت، ارتباط متن و تصاویر خلفای راشدین و نیز تطبیق آنها در بخش‌های ایلخانی و تیموری این نسخه‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

پیشینه پژوهش

در خصوص پیشینه تحقیق باید گفت که در حوزه متن، از آغاز قرن بیستم تا کنون صدها محقق در مورد رشیدالدین و حافظ ابرو کار کرده‌اند؛ از جمله مهم‌ترین آنها، می‌توان به آثار متعدد چارلز ملویل (۲۰۱۶؛ ۲۰۰۸)، کارل یان (۱۹۶۵)

نگاشته بود. بنابراین به پادشاه پیشنهاد می‌دهد که بخش اول کتاب را از "مجمع‌التواریخ" خود بگیرد؛ و شاهرخ موافقت می‌کند. با این توصیف، خزینه ۱۶۵۳ را می‌توان نسخه‌ای از "مجمع‌التواریخ-جامع‌التواریخ" به حساب آورد که تاریخ پیش از اسلام آن، شامل "مجمع‌التواریخ" حافظ ابرو است. ظاهراً بخش "جامع‌التواریخ" نسخه نیز در چند محل ناقص بوده که توسط حافظ ابرو تکمیل شده است. اگرچه بیشتر این قسمت‌های کتابت‌شده توسط حافظ ابرو به‌طور صحیح از کتاب رشیدالدین رونویسی شده‌اند، اما در برخی از بخش‌های متن، تغییراتی انجام داده که بعداً بدان می‌پردازیم.

محتوای خزینه ۱۶۵۳ بدین شرح است؛ مقدمه، از خلقت آدم تا ساسانیان، تاریخ اسلام تا انقراض عباسیان، غزویان، سلجوقیان، خوارزمشاهیان، سلغریان، فاطمیان، اسماعیلیان، ترکان آغوز، ختای، افرنج و هند. نکته قابل توجه در مورد محتوای این نسخه، حذف شدن تاریخ بنی‌اسرائیل از بخش "جامع‌التواریخ" آن است. برای دلیل احتمالی آن نیز می‌توان چنین فرض کرد که این زیرفصل از "جامع‌التواریخ"، به‌گونه‌ای موازی با تاریخ پیامبران است. از آنجایی که حافظ ابرو در بخش اول کتاب، تاریخ مفصلی از زندگانی پیامبران آورده بوده، تصمیم گرفته که تاریخ بنی‌اسرائیل را از نسخه حذف کند. از طرف دیگر، این بخش از "جامع‌التواریخ"، بر اساس منابع یهودی نوشته شده؛ به‌گونه‌ای که به نظر می‌رسد برخی از قسمت‌های آن، ترجمه دقیق کتاب عهد عتیق باشند (Jahn, 1973: 11-12; Milstein, 1986: 203-206; Natif, 2013). بنابراین حافظ ابرو با حذف تاریخ بنی‌اسرائیل، این کتاب را هم‌سوتر با تألیفات مورخان مسلمان نموده است. لازم به ذکر است که "مجمع‌التواریخ" در مقایسه با "جامع‌التواریخ"، حدود چهار برابر مبسوط‌تر نگاشته شده است. ظاهراً پس از تکمیل خزینه ۱۶۵۳ توسط حافظ ابرو، کتب متعددی به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از روی آن رونویسی شده‌اند. امروزه حداقل شش کتاب شناسایی شده که محتوای آنها با خزینه ۱۶۵۳ تقریباً یکسان است (غیاثیان، ۱۳۹۸: ۶۵). مهم‌ترین آنها، کتابی مصور است که به‌عنوان "نسخه پراکنده" شهرت دارد (Ghiasian, 2015). این نسخه چند سال پس از تکمیل خزینه ۱۶۵۳ استنساخ شده و ممه‌ور به مهر کتابخانه شاهرخ است.

از آنجایی که خزینه ۱۶۵۳ کهن‌ترین نسخه فارسی به‌جا مانده از "جامع‌التواریخ" است، در تصحیح‌های متعددی به‌عنوان نسخه اساس، مورد استفاده بوده است.^۷ اما تاریخچه پیچیده این کتاب و نسخه‌های متعدد رونویسی شده از آن سبب شده تا محققان زیادی در شناسایی متن این نسخه‌ها اشتباه

(۱۹۷۳، هاشم رجب‌زاده (۱۳۷۷) و فیلیکس تاور (۱۹۵۸) (۱۹۸۶) اشاره کرد. در حوزه نگارگری نیز محققان زیادی به نقاشی‌های نسخه عربی "جامع‌التواریخ" پرداخته‌اند که در رأس آنها می‌توان آثار دیوید تالبوت رایس (۱۹۷۶)، شیلا بلر (۱۹۹۵) و روبرت هیلن‌براند (۲۰۱۷؛ ۲۰۰۲) را نام برد. پژوهش‌های اولیه در مورد نسخه‌های فارسی "جامع‌التواریخ" در توپکاپی نیز توسط ریچارد اتینگهاوزن (۱۹۵۵) و سارا گونر اینال (۱۹۹۲؛ ۱۹۶۵؛ ۱۹۶۳) انجام شده‌اند. در سال‌های اخیر، نگارنده (غیاثیان، ۱۳۹۶؛ ۱۳۹۸؛ ۲۰۱۸a؛ 2018b)، تحقیقاتی در مورد نسخه‌های "جامع‌التواریخ" توپکاپی و نیز نقاشی تحت حمایت شاهرخ انجام داده، اما تمرکز هیچ‌کدام از این مکتوبات بر بخش تاریخ خلفای راشدین "جامع‌التواریخ" و دست‌کاری حافظ ابرو در آن نبوده است.

روش پژوهش

این نوشتار که حاصل بررسی اصل این نسخه‌ها در استانبول است، با بهره‌گیری از مطالعه کتابخانه‌ای و نسخه‌شناختی، و به روش‌های تطبیقی و تاریخی انجام شده است. جامعه آماری نیز شامل چهار نسخه مصور "جامع‌التواریخ" است که در ربع رشیدی و کتابخانه شاهرخ کتابت شده‌اند؛ نسخه عربی، خزینه ۱۶۵۳، خزینه ۱۶۵۴ و نسخه‌ای موسوم به نسخه پراکنده. به جز این چهار مورد، هیچ نسخه دیگری که دارای تصاویر خلفای راشدین باشد، بر ما شناخته شده نیست.

"خزینه ۱۶۵۳"، کهن‌ترین نسخه جامع‌التواریخ فارسی

بررسی دقیق خزینه ۱۶۵۳ و مقایسه آن با سایر نسخ مرتبط توسط نگارنده، مشخص نمود که بخش تاریخ پیش از اسلام آن، شامل جلد اول "مجمع‌التواریخ" حافظ ابرو بوده و سایر بخش‌های آن (از تاریخ اسلام تا انتهای تاریخ هند)، "جامع‌التواریخ" رشیدالدین را در بر می‌گیرند. انجامه‌های بخش اسماعیلیان، تاریخ ۷۱۴ ق. / ۱۳۱۴ م. و انجامه‌های بخش‌های تاریخ افرنج و پیش از اسلام، تاریخ ۸۲۹ ق. / ۱۴۲۵-۲۶ م. را دارند. در دو انجامه اخیر، قید شده که این بخش‌های کتاب به دست خود حافظ ابرو نگاشته شده‌اند. حافظ ابرو در مقدمه کتاب نوشته است که شاهرخ به او فرموده که «کتاب [جامع‌التواریخ] رشیدی را که اولش ضایع شده بود تمام می‌باید ساخت» (رشیدالدین و حافظ ابرو، ۷۱۴ ق. / ۸۲۹ ق.؛ گ ۳ پ). بخش از بین رفته، شامل تاریخ پیش از اسلام و صدر اسلام بوده است. در آن زمان، حافظ ابرو، "مجمع‌التواریخ" را که شامل تاریخ پیش از اسلام می‌شد،

کنند. به عنوان مثال، اخیراً استاد محمد روشن، بخش‌هایی از "جامع التواریخ" رشیدالدین را با عنوان "تاریخ ایران و اسلام" بر اساس خزینه ۱۶۵۳ تصحیح و در سه مجلد چاپ نموده (رشیدالدین، ۱۳۹۲)،^۸ اما محتوای بخش تاریخ پیش از اسلام آن (یعنی جلد اول کتاب)، کاملاً منطبق با جلد اول "مجمع التواریخ" حافظ ابرو است.

تاریخچه خزینه ۱۶۵۴

بدون در نظر گرفتن نقاشی‌های ناتمام آن، خزینه ۱۶۵۴، کامل‌ترین نسخه "جامع التواریخ" کتابت‌شده در ربع رشیدی است که به دست ما رسیده است (Ghiasian, 2018b: 411). انجمن خزینه ۱۶۵۴ (بر برگ ۳۵۰)، تاریخ سوم جمادی الاول ۷۱۷ را دارد. کتابت تمام اوراق این نسخه (به استثنای ۲۷ برگ که در دربار شاهرخ بدان افزوده شده)، در ربع رشیدی به اتمام رسیده است. کتابت نسخه، فضای خالی برای نگاره‌های آن در نظر گرفته و تنها سه فقره در ابتدای کتاب کار شده و نسخه ناتمام مانده است. از آنجایی که این کتاب در سال ۷۱۷ یعنی یک سال قبل از قتل رشیدالدین به انجام رسیده است، ناتمام ماندن نقاشی‌های آن منطقی به نظر می‌رسد. به احتمال زیاد در دهه آخر قرن هشتم/چهاردهم (زمان حکومت سلطان احمد جلایر)، تعدادی از فضاهای خالی در نظر گرفته‌شده برای تصویرگری، توسط هنرمندی غیرماهر نقاشی می‌شوند. در آغاز سده نهم/پانزدهم، اوراق مفقودی نسخه در کتابخانه شاهرخ تکمیل شده و تعدادی نقاشی بدان افزوده می‌شوند. امروزه این نسخه، دارای ۱۲۵ نقاشی، ۲۳ صفحه طراحی از پیکر پادشاهان چین و ۵۵ صفحه طراحی از پیکر پاپ‌ها و پادشاهان افرنج است.

شاهرخ، حامی نوسازی و کتابت نسخه‌های "جامع التواریخ"

همانند سایر حکام دوره تیموری، شاهرخ، پیرو مذهب سنی حنفی بود. در سال ۸۲۰ ق. / ۱۴۱۷ م.، جلال‌الدین قاپینی (متوفی: ۸۳۸ ق. / ۱۴۳۴-۳۵ م.)، کتاب "نصایح شاهرخی" را به عنوان اولین رساله سیاسی دوره تیموری به تحریر رسانید. قاپینی اولین کسی است که در این کتاب، شاهرخ را "مجدد دین" می‌خواند (Binbaş, 2016: 263). در کتب اهل سنت، حدیثی از پیامبر (ص) ذکر شده که راوی آن ابوهریره است؛ «إِنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ عَلَى رَأْسِ كُلِّ مِائَةِ سَنَةٍ مِنْ يَجِدُّدٍ لَهَا دِينَهَا: خداوند برای این امت سر هر صد سال، کسی را می‌فرستد که دین این امت را تجدید کند» (محمدجعفری، ۱۳۹۵: ۱۴۲). قاپینی معتقد است که این حدیث با حکومت

شاهرخ تطابق پیدا می‌کند؛ چرا که آغاز حکومت او در ابتدای قرن بوده است. چند سال بعد، در سال ۸۲۹ ق. / ۱۴۲۵ م.، حافظ ابرو در مقدمه "مجمع التواریخ"، شاهرخ را "مجدد مراسم الشریعه" معرفی می‌کند (رشیدالدین و حافظ ابرو، ۷۱۴ ق. / ۸۲۹ ق. : ج ۳). در سال ۸۳۲ ق. / ۱۴۲۸-۲۹ م.، شرف‌الدین علی یزدی (متوفی: ۸۵۸ ق. / ۱۴۵۴ م.)، سومین کسی بود که به شاهرخ لقب مجدد داد (Subtelny et al, 1995: 212; Binbaş, 2016: 261-265).

بنابراین شاهرخ، از پندار تجدید مذهب که در حقیقت احیای سنت حضرت رسول (ص) و براندازی بدعت‌ها بود، پیروی نمود. به عنوان نمونه، او به محتسب‌ها دستور داد که هر چه شراب در شهر هرات ببینند، به زمین بریزند (خواندمیر، ۱۳۳۳: ۱۷). علاوه بر این، او بارها به زیارت مزار علما و صوفیان مانند خواجه عبدالله انصاری رفت. متون دوره تیموری حداقل ۹ بار زیارت کردن وی از بارگاه امام رضا (ع) را تا قبل از سال ۸۲۲ ق. / ۱۴۱۹ م. ثبت نموده‌اند (Melville, 2013: 293). او در نماز جمعه مسجد جامع هرات بدون محافظ شرکت می‌کرد. قاریان قرآن چهار بار در هفته در دربار او قرآن می‌خواندند. وی برای تبلیغ اسلام، مبلغان سنی مذهب را به نواحی مختلف مانند قهستان، دشت قبچاق و هند گسیل می‌داشت (Subtelny et al, 1995: 212-218). شاهرخ همچنین در نامه خود به پادشاه چین، یونگ لو (حک. ۱۴۲۴-۱۳۶۰ م.)، به او توصیه نمود که بر اساس شریعت اسلامی عمل کند (نوائی، ۱۳۴۱: ۱۳۳ و ۱۳۴). البته شواهد تاریخی نشان می‌دهند که سیاست‌های اسلامی‌سازی او بدون تناقضات هم نبوده؛ چنانکه بسیاری از قوانین مغولی همچنان در زمان او پابرجا بودند.

اگرچه وی مجاز به استفاده از لقب خلیفه نبود، کلمه خلافت در سکه‌های ضرب‌شده در هرات از سال ۸۱۲ ق. / ۱۴۰۹-۱۰ م. تا سال ۸۲۳ ق. / ۱۴۲۰ م. به چشم می‌خورد؛ «السلطان الاعظم امیر شاهرخ بهادر خلدالله ملکه و خلافته» (Komaroff, 1986: 217). پس از این تاریخ، عبارات مشابه در کتیبه‌های ساختمان‌ها نوشته می‌شدند (O'Kane, 1987: 10). یکی دیگر از مظاهر سیاست‌های اسلامی‌سازی شاهرخ که به تقلید از غازان خان لقب "پادشاه اسلام" برای خود برگزید (Melville, 1990: 172)، حمایت از تولید کتب تاریخی و مذهبی بود. امروزه، هشت نسخه خطی مصور که تحت حمایت شاهرخ تولید و یا نوسازی شده، باقی مانده‌اند که از میان آنها، پنج فقره تاریخی (آثار رشیدالدین و حافظ ابرو)، دو نسخه منظوم (خمسه نظامی) و یک نسخه مذهبی (معراج‌نامه و تذکره‌الاولیا) هستند. همچنین، ۹ نسخه نامصور می‌شناسیم که به سفارش شاهرخ تولید شده‌اند؛ سه نسخه

تصاویر در نسخه‌هایی مانند "جامع‌التواریخ" که حاوی تاریخ پادشاهان و پیغمبران است، جذابیت زیادی دارد.

از آنجا که نسخه‌های مورد بحث ما ماهیت سنی‌مذهب دارند، بررسی تصاویر خلفای اربعه می‌تواند جذاب باشد. بدین منظور، با تصاویری از چهار نسخه مواجه هستیم؛ نسخه عربی، خزینه ۱۶۵۳، خزینه ۱۶۵۴ و نسخه پراکنده. تمام متن و نگاره‌های نسخه عربی، در ربع رشیدی کتابت و مصور شده‌اند. بخش تاریخ صدر اسلام در خزینه ۱۶۵۳، نقاشی‌هایی متعلق به هر دو دوره ایلخانی و تیموری دارد، اما نگاره‌های این قسمت از متن در خزینه ۱۶۵۴، تنها در دربار شاهرخ کار شده‌اند. حدود نود برگ مصور نسخه پراکنده نیز در دربار شاهرخ اجرا شده و حدود شصت نقاشی آن جعلی بوده که در ربع اول قرن بیستم کار شده‌اند (Ibid: 89-96).^۱ به ترتیب تاریخی، چنین صحنه‌هایی از زندگی خلفای راشدین در حداقل یکی از این نسخه‌ها مصور شده‌اند؛ "اسلام آوردن صحابه"، "مذاکره ابوبکر با امیه برای آزادی بلال حبشی"، "هجرت پیامبر (ص)"، "غزوه بدر"، "غزوه احد" و "غزوه خیبر" (جدول ۱). در سه صحنه اولی، تصاویری از ابوبکر و در سه صحنه اخیر، تصاویری از امام علی^(ع) ترسیم شده‌اند که در ادامه بدانها پرداخته می‌شود. هیچ تصویری از سایر خلفای راشدین در "جامع‌التواریخ" بر ما شناخته شده نیست.

اسلام آوردن صحابه و دست‌کاری حافظ ابرو در متن

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، خزینه ۱۶۵۳ در دربار شاهرخ تنها تکمیل نشده، بلکه تغییراتی در محتوای آن -مانند جایگزین کردن بخش تاریخ پیش از اسلام با "مجمع‌التواریخ" و نیز حذف تاریخ بنی‌اسرائیل- صورت گرفته‌اند. مطالعات دقیق، دست‌کاری‌های ظریف دیگری را نیز نشان می‌دهند. بخش تاریخ صدر اسلام این نسخه (برگ‌های ۱۴۹ تا ۱۶۳پ)، به

از آنها تاریخی (آثار رشیدالدین و حافظ ابرو)، چهار نسخه مذهبی و علمی (نصایح شاهرخی، معزالانصاب، زیج خاقانی و فواید غیائی) و دو نسخه منظوم (خمسه و سته عطار) هستند (Ghiasian, 2018a: 30-31). توجه به مضامین این کتب که عموماً تاریخی و مذهبی هستند، به شناخت ما از شخصیت شاهرخ کمک زیادی می‌کند. علاقه شاهرخ به "جامع‌التواریخ" سبب شد تا حافظ ابرو را مأمور تألیف نسخه‌ای بسیار مبسوط‌تر از شاهکار رشیدالدین کند. به جز کتابت آثار حافظ ابرو، یکی از مهم‌ترین وظایف کتابخانه شاهرخ، گردآوری و تکمیل نسخه‌های ناقص "جامع‌التواریخ" کتابت‌شده در ربع رشیدی بود.

تصاویر خلفای راشدین

بررسی نگاره‌های یک نسخه خطی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های نسخه‌شناختی آن، حائز اهمیت فراوانی است؛ به‌ویژه اگر سفارش‌دهنده آن، یک سلطان یا حاکم بوده باشد. مورخان هنر با بررسی سبک‌شناسانه نقاشی‌ها، به تاریخ‌گذاری نسخه‌های مصور بدون تاریخ می‌پردازند. اما اهمیت نقاشی‌ها تنها در بررسی سبک آنها خلاصه نمی‌شود. مطالعه ارتباط میان متن و تصویر در نسخ خطی نیز می‌تواند معنادار باشد. محل جاگیری تصاویر در متن، ماهیت نقاشی‌ها و میزان تعداد تصاویر در بخش‌های مختلف کتاب، از عوامل مهمی هستند که باید مورد تجزیه و تحلیل قرار بگیرند. از آنجا که افزودن نقاشی به نسخه‌ها هزینه‌بر بوده است، اینکه کدام بخش یا صحنه از یک کتاب مصور شده، به ما این مفهوم را القا می‌کند که آن قسمت از متن برای حامی اهمیت بیشتری داشته است. از طریق بررسی این آثار مکتوب، می‌توان به نیت‌ها و اهداف حامیان آنها پی برده و به شناسایی حلقه‌های مفقود در تاریخ سیاسی و فرهنگی پرداخت. در این میان، تحلیل

جدول ۱. تصاویر خلفای راشدین در نسخ خطی "جامع‌التواریخ"

ردیف	تصاویر	نسخه عربی (ایلخانی)	خزینه ۱۶۵۳	خزینه ۱۶۵۴ (تیموری)	نسخه پراکنده (تیموری)
۱	اسلام آوردن صحابه	-	-	-	موزه‌های هنر هاروارد
۲	مذاکره ابوبکر با امیه	-	-	برگ ۶۲	-
۳	هجرت پیامبر (ص)	دانشگاه ادینبرو	برگ ۱۶۰پ-تیموری	برگ ۷۳پ	-
۴	غزوه بدر	مجموعه خلیلی	برگ ۱۶۵پ-ایلخانی	برگ ۷۹ر	حراجی کریستی
۵	غزوه احد	-	برگ ۱۶۹ر-ایلخانی	برگ ۸۱پ	موزه هنر فیلادلفیا
۶	غزوه خیبر	-	-	-	گالری هنر دانشگاه ییل

(نگارنده)

مذاکره ابوبکر با امیه برای آزادی بلال حبشی

این نگاره در کتابخانه شاهرخ بر روی فضای خالی در نظر گرفته شده برای نقاشی در نسخه خزینه ۱۶۵۴ اجرا شده است. این صحنه در نسخه عربی نیز مصور شده است. همان طور که پیش تر اشاره شد، خزینه ۱۶۵۴ و نسخه عربی هر دو در ربع رشیدی کتابت شده‌اند؛ ولی خزینه ۱۶۵۴ ناتمام ماند و به جز حدود هفت نقاشی در آغاز نسخه، بقیه تصاویر آن اضافه نشد. در اینجا، به مقایسه نقاشی‌هایی در این دو نسخه می‌پردازیم که در موقعیت کاملاً یکسان در متن و در ذیل عنوان "ذکر تعذیب مشرکان مسلمانان ضعیف را" جای دارند. متن خزینه ۱۶۵۴ چنین خوانده می‌شود:

دست خط حافظ ابرو نگاشته شده است. یکی از عناوین این بخش، "ذکر اسلام صحابه" نام دارد. تطابق متن این نسخه و نیز نسخه پراکنده با خزینه ۱۶۵۴ (تصویر ۱) و نسخه عربی که در ربع رشیدی استنساخ شده است، اختلافی معنادار را نشان می‌دهد. متن این چهار نسخه با عبارت ذیل آغاز می‌شود: «ذکر اسلام صحابه و اختلاف علما در آنکه اول کسی که مسلمان شد که بود.»

به اتفاق علما اول کسی که مسلمان شد، خدیجه بود رضی الله عنها. و بیشتر روایان اخبار بر آنند که بعد از او امیرالمؤمنین علی پس زید بن حارثه الکلبی مولی رسول صلوات الله علیه پس ابوبکر صدیق رضوان الله علیه. و اکثر تواریخ برین قائلند و از امیرالمؤمنین علی منقول است که انا عبدالله و احو رسوله و انا الصدیق الاکبر لا یقولها احد بعدی الا کاذب مفتر صلیت مع رسول الله صلی الله علیه و سلم قبل الناس سبع سنین؛ یعنی من بنده خدایم و برادر رسول او و من صدیق اکبرم. هر که بعد از من این دعوی کند کاذبی باشد مفتری. با رسول صلوات الله علیه نماز کردم پیش از تمامت خلیق به هفت سال» (رشیدالدین، ۷۱۷ ق.؛ گ ۵۹ پ؛ رشیدالدین و حافظ ابرو، ۷۱۴ ق. / ۸۲۹ ق.؛ گ ۱۵۴ پ- ۱۵۵ ر).

پس از این عبارات، متن نسخه‌های کتابت شده در ربع رشیدی به تفصیل در مورد اسلام آوردن علی ابن ابی طالب^(ع) و زید ابن حارثه ادامه می‌یابد. اما در نسخه خزینه ۱۶۵۳ و نسخه پراکنده که در کتابخانه شاهرخ نوشته شده‌اند، اسلام آوردن علی ابن ابی طالب^(ع) و زید ابن حارثه حذف شده و تنها به جای آن نوشته شده که «وزاد عبدالله بن عباس و غیره چندین روایت است. و اما اسلام ابی بکر الصدیق...» (رشیدالدین و حافظ ابرو، ۷۱۴ ق. / ۸۲۹ ق.؛ گ ۱۵۵ ر) (تصویر ۲). متن حذف شده از اسلام آوردن علی^(ع)، معادل ۲۳ سطر از متن نسخه عربی و نیز همین تعداد سطر از خزینه ۱۶۵۴ است. متن حذف شده از اسلام آوردن زید ابن حارثه نیز ۹ سطر از این دو نسخه است. بنابراین می‌توان گفت که در کتب "جامع التواریخ" تکمیل شده توسط حافظ ابرو، تأکید بیشتری بر ابوبکر مشهود است. این تأکید نه تنها در متن، بلکه در تصاویر نیز مشهود است؛ چرا که این صحنه در نسخه پراکنده "مجمع التواریخ-جامع التواریخ" مصور شده است (تصویر ۳). در اینجا حضرت رسول^(ص) با ردای سبز و هاله‌ای شعله‌سان که بر فراز دستار او ترسیم شده، در سمت راست تصویر ایستاده است و با ابوبکر که ردایی قهوه‌ای رنگ به تن دارد، گفت‌وگو می‌کند. ترکیب بندی اثر، بسیار ساده است و به جز منظره‌ای با یک افق رفیع و بدون پوشش گیاهی و یک آسمان لاجوردین، هیچ عنصر بصری دیگری ترسیم نشده است.



تصویر ۱. برگه از "جامع التواریخ"، تبریز، ۷۱۷ ق. / ۱۳۱۷ م.، کتابخانه کاخ توپکاپی، خزینه ۱۶۵۴ (رشیدالدین، ۷۱۷ ق.؛ گ ۵۹ پ)



تصویر ۲. "جامع التواریخ"، هرات، ۸۲۹ ق. / ۱۴۲۵ م.، کتابخانه کاخ توپکاپی، خزینه ۱۶۵۳ (رشیدالدین، ۷۱۷ ق.؛ برگ‌های ۱۵۴ پ- ۱۵۵ ر)



تصویر ۳. "اسلام آوردن ابوبکر"، نسخه پراکنده "مجمع التواریخ-جامع التواریخ"، هرات، حدود ۸۳۰ ق. / ۱۴۲۶ م.، اندازه برگ: ۳۳,۹×۴۲,۵ سانتی متر، موزه‌های هنر هاروارد، شماره: ۱۸۴، ۱۹۶۰. (نگارنده)

عجیب می نماید؛ خصوصاً اینکه متن مذاکره ابوبکر با امیه در پشت برگ کتابت شده است. این نشان می دهد که کتابخانه شاهرخ ترجیح داده که به جای یک صحنه عمومی شکنجه، تصویری از ابوبکر را در ردای سبز بکشد که اولین مؤذن اسلام را آزاد کرد.

هجرت حضرت رسول (ص)

سه تصویر از صحنه مشایعت ابوبکر با پیامبر (ص) در مسیر هجرت از مکه به مدینه در این نسخه ها به جا مانده اند. همراهی ابوبکر با پیامبر (ص) در غار ثور، که در آیه ۴۰ سوره توبه بدان اشاره شده، مهم ترین فضیلت او از نظر اهل سنت شمرده می شود. رشیدالدین می نویسد:

«هیچ کس بر عزم هجرت جز علی و ابوبکر واقف نبودند. از خانه ابوبکر به غاری که معروف است به غار ثور رفتند و ابوبکر پسر خود عبدالله را فرمود که روز در شهر مکه باشد و گوش دارد که مردم برای ایشان چه می گویند و شب را پیش

... و چون مشرکان ... بر جماعتی از ضعفا که میان ایشان بودند و مسلمان شده دست تعدی دراز کردند و حبس می کردند و به انواع تعذیب و آزردن و از طعام و شراب باز داشتن و به آتش داشتن و در گرمای مکه عذاب فرمودن خواستند که ایشان را از دین مسلمانی بازگردانند. قومی را طاقت عذاب نمی بود آنچه ایشان می فرمودند به زبان می گفتند و سفاهت می کرد و دل ایشان بر ایمان استوارتر می بود [محل نقاشی در هر دو نسخه] و بهتری تحمل آن همه سختی می کردند و در دین صلب تر و قوی تر می شدند و به زبان ایشان ناشایست نمی گذشت. از جمله مستضعفان، بلال حبشی بود رضی الله عنه مولی ابوبکر الصدیق رضوان الله علیه و نام پدرش رباح بود. از حبشه او را به بردگی آورده بودند و مادرش حمامه هم برده بود و ولادت بلال در [گ ۶۲ پ: ۶] سرراه بود و آن موضعی است میان مکه و یمن. کنیتش ابوعبدالله؛ بنده امیه بن خلف الجمحی بود و این امیه از صنایع قریش بود. هرگاه که آفتاب گرم شدی به وقت نیمروز بلال را برهنه کردی و بر آن سنگ های گرم مکه انداختی و بفرمودی تا بودن تا آنگاه که بمیری یا به محمد کافر شوی و لات و عزی را پرستی و بلال همین گفتی که احد احد. ورقه بن نوفل عم خدیجه رضی الله عنها برو گذشتی و او را بر آن حال دیدی نتوانستی آن بلا از او دفع کردن گفتی احد احد و الله یا بلال، و امیه را برین فعل ملامت کردی. روزی ابوبکر الصدیق رضی الله عنه می گذشت بلال را با آن حال دید با امیه گفت از خدا نمی ترسی که با این بیچاره این عذاب می کنی. امیه گفت او را از راه تو بردی خلاصش کن. ابوبکر گفت بنده ای دارم سیاه و جلد و بر دین توست او را بستان و بلال را به من ده. امیه قبول کرد و او را به ابوبکر داد و آن را بستد» (رشیدالدین، ۷۱۷ ق: ۲ گ ۶۲-۶۳ پ).



تصویر ۴. "تعذیب مشرکان مسلمانان ضعیف را"، نسخه عربی "جامع التواریخ"، تبریز، ۷۱۴ ق. / ۱۳۱۴ م، کتابخانه دانشگاه ادینبرو، شماره: Or.MS.20، گ ۴۲ پ (URL: 1)



تصویر ۵. "مذاکره ابوبکر با امیه"، "جامع التواریخ"، تبریز، ۷۱۷ ق. / ۱۳۱۷ م، نقاشی اجرا شده در آغاز سده نهم / پایزدهم، کتابخانه کاخ توپکاپی، خزینه ۱۶۵۴ (رشیدالدین، ۷۱۷ ق: ۲ گ ۶۲)

در نسخه های "جامع التواریخ"، نقاشی ها معمولاً صحنه ای از متن را به تصویر می کشند که در آن جای گرفته اند. مثلاً نقاشی نسخه عربی که هم زمان با کتابت نسخه اجرا شده است، صحنه شکنجه مسلمانان ضعیف را نشان می دهد (تصویر ۴). در اینجا به دستور یکی از سران کفار که بر یک صندلی نشسته، پنج مسلمان نیمه برهنه را به سمت آتش برافروخته می برند. اما نقاش خزینه ۱۶۵۴، صحنه دیگری را ترسیم کرده است. وی شکنجه بلال حبشی توسط امیه بن خلف و مذاکره ابوبکر با او جهت تعویض برده های خود را مصور کرده است (تصویر ۵). از آنجا که معمولاً نقاشی های تاریخی اجرا شده در کتابخانه شاهرخ، ملهم از تصاویر تولید شده در ربع رشیدی بوده اند، انتخاب صحنه شکنجه بلال تا حدودی

ایشان رود به غار و از احوال قریش اعلام کند و عامر بن فهیره که مولی ابوبکر بود فرمود که گوسفندان ابوبکر را می چرانند و شب هنگام برای شیر دوشیدن به در غار می آورد تا آن را قوت سازند و اسماء بنت ابی بکر طعام ایشان می آورد. [نقاشی در خزینه ۱۶۵۴] شب هنگام چون باز می گشت عامر بن فهیره گوسفندان را بر اثر او می راند یعنی تا کسی پی او را نبیند مبدا که بر اثر پی وی خصمان آنجا راه یابند» (رشیدالدین، ۷۱۷ ق.: گ ۷۳ پ). «مصطفی در راه بعد از پنج شش روز تشنه بود به خیمه ای رسید. از خداوند خیمه پرسید. زنی بیرون آمد و گفت این خیمه من است و مرا ام معبد بنت خالد الخراعیته خوانند. قدری دوغ خواست. ام معبد گفت گوسفندان من لاغردند و شیر نمی دهند. رسول علیه السلام از گوسفندان او یکی را دست بر پشت مالید و بدوشید. شیر فراوان داد. کاسه [نقاشی در خزینه ۱۶۵۳] پر کرد و حضرت رسالت صلی الله علیه و سلم بخورد و دیگری به ابوبکر رضی الله عنه داد و دیگران هر که حاضر بود از آن شیر بخوردند. ام معبد در حال مسلمان شد» (رشیدالدین و حافظ ابرو، ۷۱۴ ق.: ۸۲۹ ق.: گ ۱۶۰ پ).

در خزینه ۱۶۵۴، پیامبر (ص) و ابوبکر در غار ثور ترسیم شده و در خزینه ۱۶۵۳ و نسخه عربی، صحنه معجزه شیر

دادن گوسفند به تصویر کشیده شده است. همانند سایر نقاشی های اجرا شده در ربع رشیدی، رنگ بندی نقاشی نسخه عربی عموماً محدود به طیف های خاکستری از رنگ های آبی و قهوه ای است (تصویر ۶). در سمت راست، پیامبر (ص) با دستار و گیسوان بلند در مقابل ابوبکر نشسته است و در مرکز تصویر، ام معبد گوسفند خود را می دوشد. در نقاشی همین صحنه در خزینه ۱۶۵۳، رنگ ها درخشان تر شده و آسمان آبی در بالای یک منظره کوهستانی ترسیم شده است (تصویر ۷). پیامبر (ص) و ابوبکر به سمت ام معبد نشسته اند که در مرکز تصویر ایستاده و کاسه ای شیر در دست دارد. در نقاشی خزینه ۱۶۵۴، پیامبر (ص) که هاله ای شعله سان بر گرد سر دارد، با ردایی سبزرنگ در غار نشسته است (تصویر ۸). ابوبکر نیز با ردایی قرمز رنگ در مقابل او ایستاده است. نکته لازم به ذکر این است که از آنجا که هر دو نسخه فارسی زمانی در دربار صفویان نوسازی شده، اسامی سه خلیفه اول و نیز تصاویر ابوبکر در آنها توسط صفویان شیعی مخدوش شده اند.

غزوه بدر

به جز تصاویری که از ابوبکر در این نسخه ها وجود دارند و معرفی شدند، تصاویری از دلآوری های امام علی (ع) در غزوات به چشم می خورند. متن مربوط به غزوه بدر که در هر چهار نسخه مصور شده، در خزینه ۱۶۵۳ چنین است:

«حمزة بن عبدالمطلب چون شیر شَرزه و علی بن ابی طالب چون لیث آزور غالب و عبید بن الحارث بن عبدالمطلب آگ ۱۶۶ ر: بیرون آمدند. عتبه گفت که سلاح حجاب معرفت شماست. سخن بگوئید تا شما را بشناسیم. حمزه گفت منم اسدالله و اسد رسول، عتبه گفت ای والله هم کفوی و هم کریمی و من اسد خلقانم. این دو دیگر که مصاحب تو اند کیستند. گفت علی بن ابی طالب و عبیده بن الحرث. عتبه گفت بلی



تصویر ۶. پیامبر (ص) و ابوبکر در مسیر هجرت، نسخه عربی "جامع التواریخ"، تبریز، ۷۱۴ ق./ ۱۳۱۴ م.، کتابخانه دانشگاه ادینبرو، شماره: Or.MS. 20، گ ۵۷، (URL: 2)



تصویر ۸. پیامبر (ص) و ابوبکر در مسیر هجرت، "جامع التواریخ"، تبریز، ۷۱۷ ق./ ۱۳۱۷ م.، نقاشی اجرا شده در آغاز سده نهم/پانزدهم، کتابخانه کاخ توپکاپی، خزینه ۱۶۵۴ (رشیدالدین، ۷۱۷ ق.: گ ۷۳ پ)



تصویر ۷. پیامبر (ص) و ابوبکر در مسیر هجرت، "جامع التواریخ"، هرات، ۸۲۹ ق./ ۱۴۲۵ م.، کتابخانه کاخ توپکاپی، خزینه ۱۶۵۳ (رشیدالدین و حافظ ابرو، ۷۱۴ ق./ ۸۲۹ ق.: گ ۱۶۰ پ)



تصویر ۹. "غزوه بدر"، نسخه عربی "جامع التواریخ"، تبریز، ۷۱۴ ق. / ۱۳۱۴ م.، مجموعه خلیلی (MSS 727)، گ ۶۶، لندن (Blair, 1995: fig. 34)



تصویر ۱۰. "غزوه بدر"، "جامع التواریخ"، تبریز، ۷۱۷ ق. / ۱۳۱۷ م.، نقاشی اجرا شده در آغاز سده نهم/پانزدهم، کتابخانه کاخ توپکاپی، خزینه ۱۶۵۴ (رشیدالدین، ۷۱۷ ق. : گ ۷۹)



تصویر ۱۱. "غزوه بدر"، نسخه پراکنده "مجمع التواریخ-جامع التواریخ"، هرات، حدود ۸۳۰ ق. / ۱۴۲۶ م.، اندازه نقاشی: ۲۲,۳×۱۶,۴ سانتی متر (Christie's, 2017: lot 44)



تصویر ۱۲. "غزوه بدر"، "جامع التواریخ"، تبریز، ۷۱۴ ق. / ۱۳۱۴ م.، کتابخانه کاخ توپکاپی، خزینه ۱۶۵۳ (رشیدالدین و حافظ ابرو، ۷۱۴ ق. / ۸۲۹ ق. : گ ۱۶۵ پ)

ایشان هر دو کفوان و کریمان اند. عتبه به پسر خود ولید گفت برخیز و کارزار را بسیج کن. در حال علی بن ابی طالب که تلید و هم سال بودند به مواجهه او اقدام نمود. دو ضربه در میانشان خطا شد. علی او را به یک ضربه هلاک کرد» (رشیدالدین و حافظ ابرو، ۷۱۴ ق. / ۸۲۹ ق. : گ ۱۶۵ پ-۱۶۶ ر).

بر خلاف نگاره‌های ابوبکر که به‌طور مشخص او را می‌توانیم در تصویر پیدا کنیم، در تصاویر غزوه بدر، امام علی^(ع) به‌عنوان یکی از مبارزان سپاه اسلام به تصویر کشیده شده و در سه نگاره نمی‌توان او را از میان چند شخصیت ترسیم‌شده شناخت. به‌عنوان مثال، در نسخه عربی هفت نفر ترسیم شده‌اند که بر اساس آنچه که متن می‌گوید، سه مرد اسب‌سوار در سمت چپ تصویر باید حمزه، علی ابن ابی طالب و عبیده بن حارث باشند (تصویر ۹).^{۱۰} حمزه، عموی پیامبر^(ص) را از ریش سفید او می‌توان باز شناخت، اما دو مردی که در دو طرف او هستند به جز رنگ جامه، تمایز خاصی با هم ندارند. نقاشی همین صحنه در خزینه ۱۶۵۴ نیز وضعیت مشابهی دارد (تصویر ۱۰)؛ تنها تفاوت آن در این است که تعداد لشکر کفار (از چهار نفر در نسخه عربی) به هشت نفر افزایش یافته و حضرت رسول^(ص) نیز در پشت سر حمزه، علی^(ع) و عبیده ترسیم شده است. در نقاشی نسخه پراکنده، وضعیت پیچیده‌تر است؛ چرا که سه سوار کار در سمت راست و سه سوار کار در سمت چپ هستند و تمایز آشکاری میان لشکر اسلام و کفار وجود ندارد (تصویر ۱۱). نگاره نسخه خزینه ۱۶۵۳، تفاوت آشکار با سه نسخه دیگر دارد که نه صحنه گفت‌وگو، بلکه صحنه هلاکت ولید بن عتبه توسط علی^(ع) را نمایانده است (تصویر ۱۲). در سمت چپ، سه سوار کار در حال فرار هستند که آخرین آنها توسط ضربه شمشیر علی^(ع) در حال هلاکت است. گرد و غباری که به‌سان ابرهایی تمام پس‌زمینه را پوشانده و نیز اجساد کفار در زیر سم ستوران لشکر اسلام، نشان از کارزاری سخت دارند.

غزوه أحد

متن مربوط به غزوه أحد که در سه نسخه مصور شده، چنین است:

«لشکرها به یکدیگر رسیدند. اول کسی که آواز داد و مبارزت خواست، طلحه بن ابی طلحه بود. علی علیه‌السلام مبارزت نمود و به یک ضربه سر او به دو نیمه کرد. پیغمبر شادمان شد و فرمود که تاویل رویاست» (رشیدالدین، ۷۱۷ ق. : گ ۸۱ پ).

داستان غزوه أحد در نسخه عربی به‌جا نمانده است و تنها تصویری از این غزوه که در ربع رشیدی اجرا شده، در خزینه

«پیغامبر صلی الله علیه ... چون آنجا رسید گفت فردا رایت به کسی دهم که او خدای و رسول را دوست دارد و خدای و رسول او را دوست دارند. هر یک از صحابه به آن چشم می‌داشتند و علی علیه‌السلام را درد چشم بود، بامداد او را بخواند و خیو در چشم علی انداخت و رایت بدو داد و گفت به دلی فارغ به جنگ رو و مترس که باری تعالی این فتح بر دست تو خواهد گشود. او برفت و بگرفت» (رشیدالدین و حافظ ابرو، ۷۱۴ ق./ ۸۲۹ ق.: گ ۱۷۴؛ رشیدالدین، ۷۱۷ ق.: گ ۸۶).

در این نگاره با ترکیب‌بندی بسیار ساده، حضرت رسول (ص) با گیسوان بلند و هاله طلایی شعله‌سان در سمت راست، سوار بر اسب است. علی (ع) با ردایی آبی‌رنگ در حال وارد کردن ضربه به در قلعه است. او رایت زرین خود را به ملازم داده که در مرکز تصویر ایستاده است. دو نفر از یهودیان نیز بر فراز قلعه در حال نظاره هستند.

۱۶۵۳ موجود است (تصویر ۱۳). در مرکز تصویر، علی (ع) که ردایی آبی‌رنگ به تن دارد، با شمشیر دو لبه خود ضربه‌ای کاری بر پشت طلحه زده است. پیامبر (ص) نیز با ردایی سبزرنگ در کنار علی (ع) در حال نظاره است. این صحنه در خزینه ۱۶۵۴ و نسخه پراکنده نیز با تفاوت‌هایی در ساختار تصویر و تعداد جنگجویان ترسیم شده است (تصاویر ۱۴ و ۱۵). این دو نگاره که در کتابخانه شاهرخ اجرا شده، در مقایسه با نقاشی ایلخانی خزینه ۱۶۵۳، رنگ‌های درخشان‌تری دارند و در پس‌زمینه‌های آنها به جای گرد و خاک، آسمان آبی ترسیم شده است.

غزوه خیبر

آخرین نقاشی از خلفای راشدین، صحنه‌ای از غزوه خیبر است که تنها در نسخه پراکنده آمده است (تصویر ۱۶). متن چنین می‌گوید:



تصویر ۱۴. "غزوه احد"، "جامع التواریخ"، تبریز، ۷۱۷ ق./ ۱۳۱۷ م.، نقاشی اجرا شده در آغاز سده نهم/پانزدهم، کتابخانه کاخ توپکاپی، خزینه ۱۶۵۴ (رشیدالدین، ۷۱۷ ق.: گ ۸۱ پ)



تصویر ۱۳. "غزوه احد"، "جامع التواریخ"، تبریز، ۷۱۴ ق./ ۱۳۱۴ م.، کتابخانه کاخ توپکاپی، خزینه ۱۶۵۳ (رشیدالدین و حافظ ابرو، ۷۱۴ ق./ ۸۲۹ ق.: گ ۱۶۹)



تصویر ۱۶. "غزوه خیبر"، نسخه پراکنده "مجمع التواریخ-جامع التواریخ"، هرات، حدود ۸۳۰ ق./ ۱۴۲۶ م.، گالری هنر دانشگاه ییل، شماره: URL: 3) 1965.51.4



تصویر ۱۵. "غزوه احد"، نسخه پراکنده "مجمع التواریخ-جامع التواریخ"، هرات، حدود ۸۳۰ ق./ ۱۴۲۶ م.، موزه هنر فیلادلفیا، شماره: ۲۸۹_۳۰_۹۶۷ (نگارنده)

نتیجه گیری

هر چهار نسخه باقی مانده از "جامع التواریخ" که در ربع رشیدی کتابت شده، زمانی در کتابخانه شاهرخ بوده‌اند. از آنجا که این نسخه‌ها ناقص بودند، حافظ ابرو مأمور تکمیل و نوسازی آنها می‌شود. او در فرآیند کار بر روی این نسخه‌های ناقص، تغییراتی قابل توجه در خزینه ۱۶۵۳ انجام داده است. گاهی این تغییرات بسیار عمده بوده؛ مانند جایگزین کردن بخش پیش از اسلام نسخه با "مجمع التواریخ" خود و گاهی تغییرات جزئی تری اعمال شده‌اند؛ مانند حذف نمودن بخش تاریخ بنی اسرائیل و یا تأکید بیشتر کردن بر ابوبکر در تاریخ خلفای اربعه. اینها نشان می‌دهند که مطالعات نسخه‌شناختی، اهمیت زیادی در روند تصحیح نسخ دارند؛ به گونه‌ای که در برخی موارد، عدم توجه به مهاجرت‌ها و دست‌کاری‌های کتب توسط مالکان بعدی می‌تواند سبب بروز اشتباهاتی بزرگ شود. نمونه‌ای از این اشتباه، جدیدترین چاپ "جامع التواریخ" است که در اصل، نوشته حافظ ابرو است و نه رشیدالدین.

در این مقاله، سیزده نقاشی از خلفای راشدین که در دوره‌های ایلخانی و تیموری اجرا شده، مورد بررسی قرار گرفتند. این نگاره‌ها متعلق به شش صحنه از زندگی خلفا هستند که در چهار نسخه "جامع التواریخ" یافت می‌شوند. سه صحنه اولی، ابوبکر را می‌نمایند؛ اسلام آوردن ابوبکر، مذاکره ابوبکر با امیه و هجرت پیامبر^(ص). از این میان، فقط ماجرای هجرت پیامبر^(ص) در چرخه مصورسازی جامع التواریخ‌های تولیدشده در ربع رشیدی وجود داشته و ماجرای اسلام آوردن ابوبکر و نیز مذاکره او با امیه در کتابخانه شاهرخ بدان افزوده شده است. در مجموع، پنج نقاشی، ابوبکر را نشان می‌دهند که تنها یکی از آنها در ربع رشیدی و مابقی در دوره تیموری اجرا شده‌اند. در هشت نقاشی نیز امام علی^(ع) در غزوات بدر، احد و خیبر ترسیم شده است که در سه مورد از آنها نمی‌توان او را در میان سایر شخصیت‌ها در تصویر پیدا کرد (تصاویر ۱۱-۹). ویژگی مشترک تمام تصاویر امام علی^(ع) در این است که اولاً هیچ کدام مربوط به زندگی شخصی او نبوده و او را در غزوات ترسیم کرده‌اند، ثانیاً او را به‌عنوان دلاورترین صحابی مطرح می‌کنند. اگرچه تعداد تصاویر امام علی^(ع) بیشتر است، اما ماهیت نگاره‌های مرتبط با ابوبکر، نشان‌دهنده اهمیت خلیفه اول برای شاهرخ و حافظ ابرو است. انتخاب صحنه اسلام آوردن او برای تصویرسازی که تکمیل‌کننده دست‌کاری حافظ ابرو در متن رشیدالدین است، یکی از مهم‌ترین دلایل در جهت تقویت این فرضیه است. در این نقاشی‌ها، ابوبکر به‌عنوان تنها یار (و یا جانشین) پیامبر^(ص) نمایانده شده است. این تصاویر به‌طور تلویحی، یادآور شاهرخ به‌عنوان جانشین تیمور، مؤسس این سلسله هستند. شاهرخ که القابی چون "مجدد مراسم الشریعه"، "پادشاه اسلام" و "خلیفه" گرفته بود، با تکمیل و نوسازی نسخه‌های "جامع التواریخ" که حاوی تاریخ پیامبران و پادشاهان بودند، گامی در جهت تثبیت جایگاه حکومت خود در امتداد سلسله‌های پیشین برداشت.

پی‌نوشت

۱. برای محتوای "جامع التواریخ"، رجوع شود به: رشیدالدین، ۱۳۷۳: ۵۲-۵۰؛ رجب‌زاده، ۱۳۷۷: ۳۳۳-۳۳۱؛ Browne, 1908: ۳۵۸-۳۶۰؛ رشیدالدین، ۱۳۷۳: ۶۷-۶۴؛ Melville, 2008: 466-467.
۲. به‌عنوان نمونه، رجوع شود به: بویل، ۱۳۶۶: ۳۸۱؛ Jahn, 1965: ix-x؛ Boyle, 1971: 19-26؛ Melville, 2008: 462.
۳. برای چاپ عکسی تمام اوراق محفوظ در مجموعه خلیلی، رجوع شود به: Blair, 1995. برای تصاویر "جامع التواریخ" محفوظ در دانشگاه ادینبرو، رجوع شود به: Rice, 1976.
۴. برای بررسی مفصل این نسخه، رجوع شود به: غیاثیان، ۱۳۹۶؛ ۱۳۹۸: 57-88؛ Ghiasian, 2018a.
۵. در مورد این نسخه، رجوع شود به: Ghiasian, 2018b.
۶. برای معرفی این نسخه، رجوع شود به: Ghiasian, 2018a: 81-89؛ غیاثیان، ۱۳۹۸: ۵۴.
۷. برای فهرست تصحیح‌های انجام‌شده بر اساس خزینه ۱۶۵۳، رجوع شود به: غیاثیان، ۱۳۹۸: ۸۰ و ۸۱.
۸. چارلز ملویل (2016) نیز در مقاله‌ای، به نقد و ارزیابی این تصحیح پرداخته است.
۹. از جمله این نقاشی‌های جعلی، به دو تصویر از امام علی^(ع) و یک تصویر از عمر بن الخطاب می‌توان اشاره کرد که در موزه رضا عباسی تهران (شماره‌های ۲۹۳۸ و ۲۸۳۴) و موزه‌های هنر هاروارد (ش ۱۸۰، ۱۹۶۰) نگهداری می‌شوند.

۱۰. شیلا بلر این نقاشی را «پیامبر^(ص) خانواده خود را پیش از نبرد بدر نصیحت می‌کند» نام‌گذاری کرده است: (Blair, 1995: 116). اما به نظر می‌رسد که حضرت رسول^(ص) در این تصویر ترسیم نشده باشد، به‌خصوص که او در نقاشی‌های نسخه عربی همواره گیسوان بلندی دارد.

منابع و مأخذ

- بویل، ج. آ. (۱۳۶۶). تاریخ دودمانی و سیاسی ایلخانان. در: تاریخ ایران کمبریج. جلد ۵. تهران: امیرکبیر. ۲۸۹-۳۹۵.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین (۱۳۳۳). تاریخ حبیب‌السیر فی اخبار افراد بشر. زیر نظر محمد دبیر سیاقی، چاپ اول، جلد سوم، تهران: کتابخانه خیام.
- رجب‌زاده، هاشم (۱۳۷۷). خواجه رشیدالدین فضل‌الله. چاپ اول، تهران: طرح نو.
- رشیدالدین، فضل‌الله (۷۱۷ ق.). جامع‌التواریخ. نسخه خطی شماره Hazine 1654، کتابخانه کاخ توپکاپی، استانبول.
- ----- (۱۳۷۳). جامع‌التواریخ. تصحیح و تحشیه محمد روشن و مصطفی موسوی، چاپ اول، تهران: البرز.
- ----- (۱۳۹۲). جامع‌التواریخ (تاریخ ایران و اسلام). تصحیح محمد روشن، چاپ اول، تهران: میراث مکتوب.
- رشیدالدین، فضل‌الله و حافظ ابرو (۷۱۴ ق. / ۸۲۹ ق.). جامع‌التواریخ و مجمع‌التواریخ. نسخه خطی شماره Hazine 1653، کتابخانه کاخ توپکاپی، استانبول.
- غیاثیان، محمد رضا (۱۳۹۶). نسخه مصور کتابی از رشیدالدین و حافظ ابرو در کتابخانه کاخ توپکاپی (خزینه ۱۶۵۳). آینه میراث، (۶۰)، ۲۷-۴۸.
- ----- (۱۳۹۸). جامع‌التواریخ رشیدالدین فضل‌الله همدانی (کتابت ۷۱۴ ه. ق.) و مجمع‌التواریخ حافظ ابرو (کتابت ۸۲۹ ه. ق.). چاپ اول، تهران: میراث مکتوب.
- محمدجعفری، رسول (۱۳۹۵). بررسی و ارزیابی دیدگاه شهید مطهری درباره حدیث "مجدد دین". تحقیقات علوم قرآن و حدیث، سال سیزدهم (۳)، ۱۶۷-۱۴۱.
- نوائی، عبدالحسین (۱۳۴۱). اسناد و مکاتبات تاریخی ایران از تیمور تا شاه اسماعیل. چاپ اول، تهران: بنگاه ترجمه و نشر.
- Binbaş, İ. E. (2016). *Intellectual Networks in Timurid Iran: Sharaf al-Dīn ‘Alī Yazdī and the Islamic Republic of Letters*. New York: Cambridge University Press.
- Blair, S. S. (1995). *A Compendium of Chronicles: Rashid al-Din’s Illustrated History of the World*. London: Nour Foundation.
- Boyle, J. A. (1971). Rashīd al-Dīn: The First World Historian. *Iran*, 9, 19-26.
- Browne, E. G. (1908). Suggestions for a Complete Edition of the Jami ‘u’ t-Tawarikh of Rashid-ud-Din Fadlu’llah. *Journal of the Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland*, 40 (1), 17-37.
- Christie’s (2017). *Art of the Islamic and Indian Worlds Including Oriental Rugs and Carpets, 27 April 2017*. London: Christie’s.
- Ettinghausen, R. (1955). An Illuminated Manuscript of Hāfiz-i Abrū in Istanbul. Part I. *Kunst des Orients*, 2, 30-44.
- Ghiasian, M. R. (2015). The ‘Historical Style’ of Painting for Shahrukh and Its Revival in the Dispersed Manuscript of Majma ‘ al-Tawarikh. *Iranian Studies*, 48 (6), 871-903.
- ----- (2018a). *Lives of the Prophets: The Illustrations to Hafiz-i Abru’s “Assembly of Chronicles”*. Leiden: Brill.

- ----- (2018b). The Topkapı Manuscript of the Jami' al-Tawarikh (Hazine 1654) from Rashidiya to the Ottoman Court: A Preliminary Analysis. *Iranian Studies*, 51 (3), 399-425.
- Hillenbrand, R. (2002). The Arts of the Book in Ilkhanid Iran. **The Legacy of Genghis Khan**. Komaroff, Linda & Carboni, Stefano (Eds.). New York: The Metropolitan Museum of Art. 135-167.
- ----- (2017). Holy Figures Portrayed in the Edinburgh Fragment of Rashīd al-Dīn's World History. *Iranian Studies*, 50 (6), 843-871.
- Inal, G. (1963). Some Miniatures of the Jami' al-Tawarikh in Istanbul, Topkapi Museum, Hazine Library No. 1654. *Ars Orientalis*, 5, 163-175.
- ----- (1965). "The Fourteenth-Century Miniatures of the Jami' al-Tawarikh in the Topkapi Museum in Istanbul, Hazine Library, No. 1653". PhD diss., University of Michigan.
- ----- (1992). Miniatures in Historical Manuscripts from the Time of Shahrukh in the Topkapi Palace Museum. In **Timurid Art and Culture: Iran and Central Asia in the Fifteenth Century**. Golombek, Lisa & Subtelny, Maria (Eds.). Leiden: E. J. Brill. 103-115.
- Jahn, K. (1965). **Rashīd-al-Dīn's History of India: Collected Essays with Facsimiles and Indices**. London: The Hague.
- ----- (1973). **Die Geschichte der Kinder Israels des Rašīd ad-Dīn**. Wien: Österreichische Akademie der Wissenschaften.
- Komaroff, L. (1986). The Epigraphy of Timurid Coinage: Some Preliminary Remarks. *The American Numismatic Society Museum Notes*, 31, 207-232.
- Melville, C. (1990). Pādshāh-i Islām: The Conversion of Sultan Maḥmūd Ghāzān Khān. *Pembroke Papers*, 1, 159-177.
- ----- (2008). Jāme' al-Tawārīk. **Encyclopaedia Iranica**. vol. 14. Yarshater, Ehsan (Ed.). New York: Encyclopaedia Iranica Foundation. 462-468.
- ----- (2013). The Itineraries of Shāhrukh b. Timur (1405-47). **Turko-Mongol Rulers, Cities and City Life**. Durand-Guédy, David (Ed.). Leiden: Brill. 285-315.
- ----- (2016). Rashīd al-Dīn and the Shāhnāmeḥ. *Journal of the Royal Asiatic Society*, 26 (1-2), 201-214.
- Milstein, R. (1986). The Iconography of Moses in Islamic Art. *Jewish Art*, 12-13, 199-212.
- Natif, M. (2013). Rashīd al-Dīn's Alter Ego: The Seven Paintings of Moses in the Jāmi' al-tawārīkh. **Rashīd al-Dīn: Agent and Mediator of Cultural Exchanges in Ilkhanid Iran**. Akasoy, Anna; Burnett, Charles & Yoeli-Tlalim, Ronit (Eds.). London: The Warburg Institute. 15-37.
- O'Kane, B. (1987). **Timurid Architecture in Khurasan**. Costa Mesa: Mazda.
- Rice, D. T. (1976). **The Illustrations to the "World History" of Rashīd al-Dīn**. Edinburgh: Edinburgh University.
- Subtelny, M. E. & Khalidov, A. B. (1995). The Curriculum of Islamic Higher Learning in Timurid Iran in the Light of the Sunni Revival under Shāh-Rukh. *Journal of the American Oriental Society*, 115 (2), 210-236.
- Tauer, F. (1958). Beiträge zur Kenntnis der Geschichtswerke Ḥāfīz-i Abrūs. *Bibliotheca Orientalis*, 15, 146-148.
- ----- (1986). Ḥāfīz-i Abrū. **Encyclopaedia of Islam**. vol. III. Lewis, B.; Ménage, V. L.; Pellat, Ch. & Schacht, J. (Eds.). Leiden: E. J. Brill. 57-58.

- URL 1: <https://images.is.ed.ac.uk/luna/servlet/detail/UoEsha~4~4~57949~102600:World-istory,-f-48v> (access date: 202102/02/).
- URL 2: <https://images.is.ed.ac.uk/luna/servlet/detail/UoEsha~4~4~58215~102624:World-istory,-f-57r> (access date: 202102/02/).
- URL 3: <https://artgallery.yale.edu/collections/objects/15386> (access date: 202102/02/).





Received: 2020/09/15

Accepted: 2021/01/10

A Comparative Study between the Texts and Images of Abu Bakr and Imam Ali in the Ilkhanid and Timurid Copies of the Jami' al-Tawarikh

Mohamad Reza Ghiasian*

Abstract

Among the Jami' al-Tawarikh manuscripts produced in the Rab' -i Rashidi, four copies have survived: one in Arabic and three in Persian. A century after their transcription, all these manuscripts were in the possession of the Timurid ruler, Shahrukh. Since these manuscripts were incomplete, Shahrukh ordered Hafiz-i Abru to complete the Persian copies. In the process of completion of one of these codices, considerable changes were made both in the text and the images. Since the Timurids were staunch followers of Sunnism of the Hanafite school of jurisprudence, the study of their manipulation in the section on the early Islamic history would have been of great significance. This investigation, which is a result of the examination of the original manuscripts held in the Topkapı Palace Library, was conducted with the application of comparative and codicological methods. In a textual examination, it explains the importance of codicological studies of the manuscripts, their life history and migrations for the process of their edition. This paper also compares the images added to these codices in the Ilkhanid and Timurid periods. The main questions are as follows: To what extent has Hafiz-i Abru manipulated the text of the Jami' al-Tawarikh? Among the images of the Rashidun Caliphs, which caliph was more important to the Timurids and why? Some evidence shows that the recent printed edition of the Jami' al-Tawarikh is in fact Hafiz-i Abru's Majma' al-Tawarikh that has been mistakenly identified as Rashid al-Din's work. As a result, it can be stated that in the manuscripts completed by Hafiz-i Abru, there is a certain emphasis on Abu Bakr. This is evident in Hafiz-i Abru's manipulation of the text, as well as in the images depicting the Rashidun Caliphs.

Keywords: Jami' al-Tawarikh, Rashid al-Din, Hafiz-i Abru, Abu Bakr ibn Abi Quhafa, Shahrukh

* Assistant Professor, Faculty of Architecture and Art, University of Kashan, Iran. mrgh73@yahoo.com